

پرسش‌های اساسی فلسفه

واقعاً چه می‌دانیم؟

سیمون بلک‌پرن

ترجمهٔ مریم تقی‌پوری



Blackburn, Simon

سرشناسه: بلک‌برن، سایمون، ۱۹۴۲-م.

عنوان و نام پدیدآور: پرسش‌های اساسی فلسفه: واقعاً چه می‌دانیم؟/سایمون

بلک‌برن؛ ترجمه مریم تقدیسی

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۷۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۱۰۶-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: What do we really know?: the big questions of

philosophy, 2012.

موضوع: فلسفه

موضوع: فلسفه - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزوده: تقدیسی، مریم، ۱۳۴۲-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۴ ۱۳۹۳ پ ۸ ب ۲۱/BD

رده‌بندی دیویی: ۱۰۰

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۴۴۱۴۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

What Do We Really Know?

The Big Questions of Philosophy

Simon Blackburn

Quercus, 2012



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

سیمون بلک‌برن

پرسش‌های اساسی فلسفه

واقعاً چه می‌دانیم؟

ترجمه مریم تقدیسی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۱۰۶ - ۲

ISBN: 978 - 600 - 278 - 106 - 2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۴۰۰۰ تومان

یادداشت ناشر

کتاب حاضر چکیدهٔ قلم نویسنده‌ای از بستر و موقعیتی متفاوت است. مباحث و پرسش‌های فلسفی که، به اعتباری، انگیزهٔ عطف نظر به آن‌ها در نهاد انسان‌ها نهفته است، با توجه به اعصار تاریخی و سنت‌های دینی و اجتماعی و سیاسی گوناگون، اشکال و صورت‌های متغیری به خود می‌گیرند و، به تبع، پاسخ‌های متفاوتی نیز به آن‌ها داده می‌شود. بر این اساس، مباحث مطرح‌شده در این کتاب نیز با نیازها و معضلاتی گره خورده است که ممکن است پاسخ‌هایی غیر از پاسخ‌های سایر اندیشمندان را اقتضا کنند. لذا صرف بیان این دیدگاه‌ها به معنای صحه نهادن بر آن‌ها نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای آگاه شدن از آن‌ها و احیاناً موضع گرفتن و تأمل در آن‌ها.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	آیا انسان روحی در دستگاه است؟
۲۷	ماهیت انسان چیست؟
۴۱	آیا انسان آزاد است؟
۵۵	چه می دانیم؟
۶۹	آیا انسان حیوانی عاقل است؟
۸۱	چطور می توانیم به خودمان دروغ بگوییم؟
۹۳	آیا چیزی به نام جامعه وجود دارد؟
۱۰۷	آیا انسان ها قادر به درک یکدیگر هستند؟
۱۱۹	آیا دستگاه ها می توانند فکر کنند؟
۱۳۳	چرا خوب باشیم؟
۱۴۵	آیا همه چیز نسبی است؟
۱۶۱	آیا زمان در حرکت است؟
۱۷۳	چرا همه چیز جاری است؟
۱۸۳	چرا به جای این که هیچ چیز نباشد چیزی هست؟

۱۹۵ فضا از چه پر شده است؟

۲۰۵ زیبایی چیست؟

۲۱۷ آیا به خدا نیاز داریم؟

۲۲۹ غایت زندگی چیست؟

۲۳۹ حقوق من کدام‌اند؟

۲۵۱ آیا باید از مرگ ترسید؟

۲۶۳ فیلسوفان بزرگ

۲۶۷ نمونه

پیشگفتار

بیشتر پرسش‌هایی که در این جا انتخاب کرده‌ام از جمله پرسش‌هایی هستند که اغلب به ذهن مردان، زنان و کودکان متفکر خطوط می‌کنند. این پرسش‌ها به نظر می‌رسد به طور طبیعی و از طریق تفکر ایجاد می‌شوند. ما پاسخ‌ها را جستجو می‌کنیم. ولی فلسفه برخلاف دیگر رشته‌های تحصیلی به جای پاسخ دادن، پرسش برمی‌انگیزد. پاسخ‌های این زمینه اغلب قطعی نیستند و به‌ندرت مورد توافق قرار می‌گیرند. چنین چیزی شاید برای آن دسته از ما که به عنوان فیلسوف رسمی کار می‌کنیم تأسف برانگیز یا خجالت‌آور باشد، ولی به نظر من این طور نیست. دلیل این امر تا حدودی می‌تواند این باشد که پرسش‌هایی که در وهله اول ساده به نظر می‌رسند، پس از تفکر به سؤالات کوچک دیگری تجزیه می‌شوند. می‌پرسیم که «چرا باید طبق اخلاقیات زندگی کنیم؟» یا «معنی زندگی چیست؟» گویی که پاسخ را جایی همین نزدیکی‌ها می‌توان یافت. ولی این پرسش‌ها دربرگیرنده پرسش‌های ریز و درشت دیگری هستند. چرا باید در این مورد یا در آن مناسبت خاص، یا در مواجهه با این یا آن وسوسه، اخلاقی رفتار کنیم؟ درباره مردم و منافعی که واقعاً چه باید کرد؟ پاسخ یکی نیست، و در شرایط مختلف متفاوت است، و درک این موضوع خود نوعی پیشرفت است.

در پرسش‌های دیگر چه بسا تله‌های مختلفی پنهان باشد. این پرسش مثال خوبی است: «چرا به جای این‌که چیزی نباشد چیزی هست؟» این یکی از پرسش‌های زیربنایی فلسفه و عمیق‌ترین پرسشی به نظر می‌رسد که می‌توان پرسید، ولی شاید عمق آن و جذبه و سواس‌گونه‌ای که ایجاد می‌کند دست‌پرورده حقه‌ای منطقی باشد که لاینحل بودنش را تضمین می‌کند. یا شاید هم این‌طور نیست: این‌ها مسائلی هستند که باید با احتیاط در موردشان کندوکاو کرد، و خط‌مشی متفکران در موردشان متفاوت است. فکر نمی‌کنم چنین چیزی مایه تأسف یا شرمساری باشد. اگر قرار بود درباره امور انسانی هم بنویسیم خط‌مشی‌مان یکسان نمی‌بود: نظرهای مختلف افراد درباره تصمیمی سیاسی یا تعطیلاتی خانوادگی (یا دعوی خانوادگی) را مجسم کنید. شکسپیر نمایشنامه‌های فوق‌العاده‌ای درباره عشق، جنگ، ترس، جاه‌طلبی و بسیاری مسائل دیگر نوشت، ولی هیچ‌کس معتقد نیست که او «باسخ‌های» قطعی را داده است یا این‌که چیز دیگری برای افزودن وجود ندارد.

از این رو، تلاش کرده‌ام خواننده را با پرسش‌ها، با چیزهایی که گفته شده، و با نقاط ضعف و پیچیدگی‌های آن‌ها آشنا کنم. بیست پرسشی که در این جا انتخاب کرده‌ام با نظم و ترتیب خاصی ارائه نشده‌اند، بجز پرسش آخر که همه ما آخر از همه آن را پیش می‌کشیم. مباحثات مستقل در نظر گرفته شده‌اند و، از این رو، خواننده می‌تواند بنا به دلخواه خود در آن‌ها تعمق کند. از آن‌جا که هرازگاهی ارجاعاتی داده شده، شاید خواننده احساس کند به چالش کشیده می‌شود، و امیدوارم که همین‌طور باشد.

قرن بیست و یکم روندی را پیش گرفت که در قرن پیشین هم به چشم می‌خورد. این روند نوع معینی از نمایش پیروزی علمی است. وجد و

سُروری که به دنبال شکافتن زنوم انسان پدید آمد و، متعاقب آن، چشم‌اندازهای خیره‌کننده پیشرفت‌هایی در زیست‌شناسی و طب باعث ایجاد حال و هوایی شده‌اند که رشته‌های علوم انسانی مانند فلسفه را در موضع دفاعی قرار داده است. تا زمانی که فلاسفه می‌توانند کارهایی مانند تفسیر ماهیت انسان را انجام دهند، آیا فلسفه که تحت‌الشعاع نیروی مخرب پیشرفت علم قرار گرفته و مورد سرکوب آن واقع شده است باید کنار گذاشته شود؟ من در برخی از فصول این کتاب به تأمل در مورد دستاوردها و نویدهای علوم جدید درباره ماهیت انسان پرداخته‌ام، ولی نه با اطمینانی که دیگران نسبت به آن احساس می‌کنند. امیدوارم دلایل به کار گرفته شده حداقل باعث ایجاد تردید شوند، و به خواننده کمک کنند تا دقیق‌تر درباره مسائل دشواری مانند نحوه اندیشیدن و احساس کردن ما، و روالی که فکر و احساس انسان باید در پیش بگیرد، تأمل کند.

از نماینده‌ام کاترین کلارک و ویراستارم در انتشارات کونترکوس، وین دیویس، به خاطر این که بی‌وقفه مشوق من بوده‌اند تشکر می‌کنم. و همچون گذشته از همسر من به دلیل کمک‌های ارزشمندش در زمینه‌های ادبی و ویراستاری متشکرم. فرصت مطالعاتی‌ای که دانشگاه کمبریج در سال ۲۰۰۸ در اختیارم گذاشت فراغ بالی برای نوشتن بسیاری از فصل‌های این کتاب فراهم کرد، و دانشگاه کارولینای شمالی نیز در چیل هیل کرسی‌ای تحقیقاتی در اختیارم قرار داد. از این دو مؤسسه نیز سپاسگزارم.